

# فضول باشی و سایه شوم

فضول باشی خیلی خوشحال بود. از شادی در پوست نمی گنجید، خنده از روی لب هایش محو نمی شد، همه اش می گفت: جانم و ای جانم، نمردیم و سایه شوم ورزش اردبیل را شناختیم، عامل بدبختی ورزش و برخی از رشته های ورزشی چون فوتبال معرفی شد، چقدر بی تفاوت بودیم و در این سال ها در آستین خود دشمن پرورش می دادیم. باید کسانی را که با ترفند های مخصوص و شگردهای ناب، عملیات محیرالعقول و برنامه ریزی خاص سایه شوم ورزش اردبیل را شناسایی کردند، بوسید و مدال افتخار کاشف سال اردبیل را به آن ها اعطا کرد.

اگر از اطرافیان خجالت نمی کشید بعید نبود که از فرط شادمانی حرکات موزون نیز انجام بدهد، دور خودش می چرخید و مدام می گفت: "سایه شوم ورزش اردبیل اعدام باید گردد"، "سایه شوم فوتبال بیچاره باید گردد".

گفتم: چه خبر است؟ چرا مثل لاستیک های پنجر دور برداشته ای؟ تو را تاکنون چنین سر حال ندیده بودم، ما را نیز بی نصیب نکن، در این فضای گرانی شب عید، جار و جنجال طرح صیانت و دعوای دسته جمعی در شمال استان باید اتفاق خیلی مهمی افتاده باشد که تو بشکن می زنی و سر از پا نمی شناسی؟

فضول باشی نفسی چاق می کند، دستی به سر و صورتش می کشد و همچون معرکه گیران نگاهی به اطراف می اندازد و می گوید: یعنی تو نمی دانی؟ یعنی تو سایه شوم ورزش استان را نمی شناسی؟ یعنی پیام ها به تو نرسیده و تو این قدر بی خبر از اوضاع و احوالی؟ باورش سخته، خودت را به کوچه علی چپ مزن و بیا بنشین و بگو که علت این نامگذاری و شوم بودن سایه ات در ورزش را بگو. حتما پشت پرده این نامگذاری حکمتی وجود دارد. این ها را بگو و حال امروز ما را کامل کامل بکن.

گفتم: افاضه می فرمایید. این طور که می گوید من سایه شوم ورزش اردبیل هستم و خیلی هم عالی. دست کسانی که این اصطلاح را به کار بردند، درد نکند. حداقل تو یکی را که سالی یک بار هم از ته دل نمی خندیدی این طور به وجد آورده اند. ولی اگر حوصله داری برای تو ابعاد مختلف این لقب سال را می توانم به طور خلاصه توضیح بدهم. خوب گوش کن و در وسط حرف هایم با پاهای بدون جوراب وارد نشو.

مگر در ورزش صاحب پست و مقام و میز و صندلی هستم و یا در فدراسیون‌ها به نام ما کرسی وجود دارد که سایه ما شوم باشد و مانع از پیشرفت کارها.

معمولاً سایه شوم مال کسانی است که در ورزش صاحب منصباند و قدرت‌اند و زور دارند. سایه ما هرچقدر هم که بدشگون باشد و نامبارک، چون در امور اجرایی ورزش دخالتی نداشته و بر صندلی مدیریت رشته‌ها تکیه نکرده‌ایم، اثرگذار نمی‌تواند باشد. وای از کسانی که در ورزش ما جولان می‌دهند و سایه شوم‌شان سال‌هاست بر آن حاکم بوده و دمار از روزگارش درآورده‌اند. سایه ما هرچقدر هم که شوم باشد، خیال آقایان راحت، در امور اجرایی هیچ‌وقت تأثیرگذار نخواهد بود.

ولی اگر بعد رسانه‌ای را در نظر بگیریم حق با آن‌ها می‌باشد. چرا که سایه ما بر سر آن‌هایی که در ورزش اقدامات غیرقانونی و خودمحورانه بکنند، گسترده‌است. کسانی که بیش از ده سال در این استان، مدرک تحصیلی کاردانی را به‌جای کارشناسی به کار گرفتند و یا 28 سال سن را به جای 35 سال سن قرار دادند و یا شرط دارا بودن پنج سال سابقه مدیریت را برای کسانی که حتی یک کلاس درس را اداره نکرده بودند، مباح شمردند و یا استعلام برخی از اعضای هیئت‌رئیس را بر خلاف قانون در نظر نگرفتند، سایه رسانه ما را شوم که چه عرض کنم حتی بالاتر از آن باید قلمداد نمایند.

آن‌هایی که دوست دارند در ورزش استان خود ببرند و بدوزند وقتی با افشاگری‌ها و بیان واقعیت‌ها از طرف ما روبرو شوند، حق دارند سایه ما را شوم و بدیمن قلمداد بکنند. این گفته‌ها و این پیام‌ها نمی‌توانند در گستردگی این سایه شوم بر سر آن‌هایی که در ورزش قوانین را رعایت نکنند و یا حریم برخی از رشته‌ها را به حیاط‌خلوت تبدیل بکنند تأثیر داشته باشد. به شوم بودن سایه خود در راستای خدمت به ورزش و کنار زدن پرده‌های تزویر و ریا از چهره برخی مدعیان دروغین خدمت‌گزاری به ورزش افتخار می‌کنیم.

فضول باشی حرفم را قطع کرد و گفت: خوب است بدانی به تو منفعت طلب هم گفته اند.

گفتم: . راست می‌گویند، مگر مثل برخی‌ها از ورزش و سفره‌ی گسترده‌ی آن متنعم شده ایم که منفعت‌طلب باشیم؟ با هزینه بیت‌المال در خیابان‌های تایلند قدم زده‌ایم و یا از جیب بیت‌المال برای ما بلیط

مسکو تهیه کرده‌اند و یا در اندیشه‌ی عزیمت به قطر می‌باشیم؟ و یا به بهانه جلسات مختلف، دوستان و سینه چاکان را همراه خود کرده و در شهرهایی چون اصفهان و مشهد به گشت و سیاحت پرداخته‌ایم؟ آیا امکانات دولتی در اختیار ماست که منفعت‌طلبی و سوء استفاده بکنیم؟ آیا زمین ورزشی و یا سالن سرپوشیده در اختیار داریم که به نزدیکان خود واگذار نماییم و به هر ترتیبی که می‌خواهیم عمل کنیم؟ از چه راهی باید در ورزش منفعت‌طلبی بکنیم؟ آیا از یک جای ورزش حق الزحمه نظارت، بازرسی و یا مأموریت گرفته‌ایم؟ آیا در فکر به قدرت رسیدن در هیئت‌های ورزشی و یا ادامه وضع موجود در مدیریت برخی از رشته‌ها هستیم؟ آیا در فکر و اندیشه مهندسی کردن مجامع و اتهام زدن به این و آن می‌باشیم؟ آخر چگونه می‌توانیم در ورزشی که حتی یک چوب کبریت‌اش در اختیار ما نیست، منفعت‌طلبی بکنیم؟

خلاصه وقتی برخی از عزیزان در مقابل حرف حق کم می‌آورند، چاره‌ای جز پناه بردن به ریسمان پوسیده و دامن کلمات تاریخ گذشته ندارند ولی به قول قدیمی‌ها حرفی نزنیم که "پیشمیش تو یوغوندا گولمغی گل‌سین".  
یا حق.